

حاکم در این ترجمه تاریخ عرب
کتابها احصای کرده است
کتابهای جدید با دقتان زنده و خاطره بان کتابها

هر آنها و یاد در همان باب است. لندن ۱۹۹۱
بیمار به بدیع که بسیار ماند!

بی بی عروسی سلام

اینها دارم خودم و خانواده است سالم و خوش باشید

اگرچه آمد و بیخام برآید تاریخ بر چه صورتی بود گفتن کنم بوفی ششم است که
این نامه را می نویسم و سندی نسیم کار ترجمه تاریخ عرب را به اطلاع می رهم

در ترجمه چهار نفر مترجم دارن: رهنما، گلادیتر، تو دین، رحمانی بعد ترجمه ۴ نفر
ردا که کنه. (اگرودی مسئول تنظیم کار و تهیه وی بی بی است) یعنی بی بی رساندن دکنه ترجمه به بی بی محراب
همه کارها در این است.

ترجمه ۳ نفر بصورت دکترا در این است (اگرودی که آشنه نشد) (اگرودی از آنها کسی نیست) هر
ادانرا با این نوشته مترجم باز گردانده که اگر آشنه می دارد تصحیح کنه و پس از تصحیح برود انکه ترجمه
ردا که کنه روی متن ترجمه کرده کار کنه، حمایتی را که لازم می آید درست کنه بعد دور شده با کسی نیست
برجه تا با کسی نیست، این با کسی نیست را ردا که کنه بخوانه بعضی کنه و البته مرکزی نوشته است.

بر ترجمه عین ترجمه حکایت در اصطلاحات روسی را که بعضی ادا باید توضیح داد. کنه و در این
آن توضیح می نمودم نیست علامت گذاری میکنه روی کارت علمی. این منتقل میکنه توضیح لازم را روی همان
کارت می دهد و تمام آن کارت ۶ ماه بصورت دکترا در این است که ترجمه جدا در این است
در کتاب (بصورت دکترا در این است) بعضی نامه

این ترجمه است که با در این (سخن و گلادیتر و رحمانی و اگرودی) ضمیمه کردم در بصره هم وقتی با بی
انه بعد خبر دارم.

اگر در مورد کم بر یک از رفق ضمیمه کردم گفته شد که چون کتابها را اجزای بیلان معرف
نمیکند و کارها (تدریسی) زیاد است سهم کتابها با فکر کتاب میزنیم و سخن و گلادیتر که

در یکی از مکانی در فرانت زبانه‌های دارم ترجمه قسمت اول تحول کرم و به تازگی فصل فصل بهاری
 در اینم که کارش او مترجم نشود چه در این وقت کافی برای خواندن داشته باشد و اگر نه باشد که
 شود در ماه اول از سال تمام ترجمه ۶ جلدی می‌شود و جمع شود و قسمت خواندن بخواند داشت کفتر هر که هر از اول
 ماه اول استیا بر است. کارش بر این از حدی که ابتدا بفرمایم که مشغول است و ما که قول کرده‌ام
 به اینها احوال می‌بخش

در تفسیر ترجمه اینها ۱۹۹ صفحه برای تو ۲۸۸ صفحه برای من، ۲۵۰ صفحه برای
 گلادیر ۱۵۰ صفحه برابر رصدهی در نظر گرفته شد. بعد قسمت اول فصل ۱۸ و ۱۹ و دیگر بعد
 نباشد رصدهی سهم ترا شود اطلاع به همه، بعد از رصدهی تلفنی خبر داد که به جمع همگامی فصل اول
 داشته به لا (۲۵۰ صفحه) ترجمه کرده‌ام و عطف است. ما بنا گفته او از ترجمه هم قسمت هر و نظر
 کرده و من از فصل ۱۴م شروع ترجمه کردم و الان فصل ۱۵م و قسمتی از فصل ۱۶م را تمام کرده‌ام.
 علاوه بر این رصدهی گفت که هر فصلی که با تو حل کرد است و تو از سهم خودت اطلاع داری، از اینها
 بپسندیدی فایده و دیگری است. دای معلوم می‌شود هنوز اطلاع صحیحی از سهم خودت نداری و من نمی‌فهمم
 تو چرا با رصدهی می‌کنی که تا اکنون حل نکردی و یا او با تو حل نکرد است.

سلامه تفسیر نهائی سهم ترجمه هر کس معلوم است. سهم تو اکنون فصل ۱۸، فصل ۱۹ و
 نیمی یا عبارت دیگر ۱۹۹ صفحه آخر است. شش صفحه از فصل ۱۸ هم رصدهی
 ترجمه خواهد داد. ترجمه فصل اول را هم تو هست که رصدهی رد کرده و هایش گفته
 تمام این حرفها و کارها را هم با کسی لا فردی در زمانی تو اطلاع پیدا کنی که وظیفه‌ام
 تنها ترجمه است نه تفسیر کار. ترجمه خودت را اگر بتوانی بایش کرد. فوری چه بهتر، زیرا یک نسخه بهتر
 خودت خواهد ماند و کله افسه‌ای کم دیگر شدنی دستم در راه با کس فایده دهن از اینها هم است
 این بود مسئله ترجمه - دیگر وقتی تو از حرفهای دیگر بخواند. تنها چیزی که از آن نمی‌توانی حرفه نظر
 کرد بپسندی ترا که است با اجاره و اگر لازم باشد حتی بی اجاره تو. بچه که با تو کرم

صالحی

بسمه تعالی
 مهر ۱۳۷۷
 ۱۹۹۷